

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش سلامت

شماره هفتم، فروردین ۱۳۹۸



ماهنامه «دانش سلامت و دین» ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

hrj@muq.ac.ir



۰۲۵۳۳۴۰۰۵۴۶





الذکر الحرام

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی دانش مستدام

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
شماره هفتم، فروردین ۱۳۹۸

مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان است.
نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.
نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم
مدیر مسؤول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه
سردبیر: دکتر اکرم حیدری
امور اجرایی: محمد سالم
ویراستاری، طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

سخن آغازین

دستورات آیت الله حاج میرزا علی قاضی طباطبایی رحمته الله
در ماه‌های رجب، شعبان و رمضان..... ۳

سلامت در قرآن

تمام تغذیه درمانی پزشکی در یک آیه..... ۵
علی اکبر حق ویسی، ابوالفضل محمد کریمی

سلامت در احادیث

عافیت در بیان معصومین علیهم السلام..... ۷
مرتضی حیدری

فقه سلامت

احکام فقهی در درمان ناباروری..... ۹
محمد مهری ليقوان

فلسفه سلامت

پارادایم‌های علم..... ۱۲
صادق یوسفی

اخلاق سلامت

فاش کردن خطاهای پزشکی..... ۱۳
حسام الدین ریاحی

معرفی کتاب

توضیح الاخلاق: تحریری از اخلاق ناصری..... ۱۶



سخن آتازین

دستورات آیت الله حاج میرزا علی قاضی طباطبانی رحمته الله در ماه های رجب، شعبان و رمضان



«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الرَّسُولِ الْمُبِينِ وَوَزِيرِهِ الْوَصِيِّ الْأَمِينِ وَأَبْنَائِهِمَا
الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ وَالذَّرِّيَّةِ الطَّاهِرِينَ وَالْخَلْفَ الصَّالِحَ وَالْمَاءِ الْمُعِينِ صَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.»

متعال بوده باشد، می تواند از این طریق متذکر گردد.

پس از این مرحله، به دل های خود روی آورده، بیماری های گناهاتان را معالجه و مداوا نمایید و بوسیله استغفار، بزرگی و سنگینی عیوب خود را کاهش دهید. و بپرهیزید از اینکه حریم الهی را بشکنید، زیرا برآستی چنین شخصی در نظام تکوین بی آبرو و مهتوک است گرچه خداوند کریم از روی کرمش، آبروی او را حفظ نماید.

و کجا امید نجات است برای دلی که شبهات وارد آن شده و در او نفوذ نموده است؟! و چنین شخصی هرگز نمی تواند در راه متقین قدم بردارد؛ و با محسنین از چشمه آب گوارا بنوشد. و خداوند محلل اتکای من و شما و بهترین یار و یاور می باشد.

شما را سفارش می کنم به اینکه نمازهای فریضه خود را که با نوافل مجموعاً پنجاه و یک رکعت است، در بهترین اوقاتشان انجام دهید؛ و اگر نتوانستید چهل و چهار رکعت ابدین صورت که چهار رکعت از نافله عصر و دو رکعت از نافله مغرب و «وَتیره» که مجموعاً هفت رکعت می باشد، حذف شود. (این توضیح از مرحوم علامه طهرانی رحمته الله است) آن را بجا بیاورید. چنانچه باز هم مشغله های دنیا شما را بازداشت، حتماً نافله ظهر که به آن «صلوة اولابین» می گویند را انجام دهید.

و اما در مورد نافله شب باید بدانید که انجام دادن آن در نظر مؤمنین و سالکان حضرت معبود از واجبات است و هیچ چاره ای جز ایتیان آن نیست و تعجب است از کسانی که قصد رسیدن به مرتبه ای از

هان ای برادران عزیز و گرامی ام - که خدای، شما را در طاعت خود موفق بدارد - متوجه و هشیار باشید که ما در قرق گاه ماه های حرام داخل شده ایم (و همان گونه که در زمین های حرم باید از محرمات اجتناب نمود و ارتکاب یک سلسله اعمالی که در خارج حرم جرم نیست در آنجا جرم محسوب می شود، در این ماه ها هم که قرق گاه زمانی اند چنین است و باید با هشیاری و مواظبت در آن وارد شد، و به همان نحو که در قرق گاه مکانی که حرم است، انسان به کعبه نزدیک می شود، در این ماه ها هم که قرق گاه زمانی است، انسان به مقام قرب خداوند می رسد). پس چقدر نعمت های پروردگار بر ما بزرگ و تمام است! و او هرگونه نعمتی را بر ما تمام نموده است!

پس قبل از هر چیز، آنچه که بر ما واجب و لازم است، توبه ای است که دارای شرایط لازمه و نمازهای معلومه است و پس از توبه، واجب ترین چیز بر ما پرهیز از گناهان صغیره و کبیره است تا جایی که توان و قدرت و استطاعت داریم.

پس (ای برادران عزیز) دستور توبه را در شب جمعه اول ماه (رجب) یا روز جمعه و یا روز یکشنبه آن، انجام داده نماز توبه را بخوانید؛ سپس آنها را در روز یکشنبه دوم همان ماه تکرار و اعاده نمایید.

سپس ملتزم شوید به مراقبه صغری و کبری و نیز خود را وادار به محاسبه (حساب کشیدن از نفس) و معاتبه (سرزنش نمودن در صورت لغزش) به صورتی که شایسته و سزاوار است، نمائید. پس برآستی هر کسی که در صدد متذکر شدن به ذکر حق و در مقام خشیت از ذات اقدس حضرت حق



بزرگوار دعا نمود.
یکی دیگر از وظایف لازم و مهم، قرائت زیارت جامعه، معروف به «جامعه کبیره» در روز جمعه است. لازم است که قرائت قرآن کمتر از یک جزء نباشد. تا می‌توانید بسیار به دیدار و زیارت برادران نیکوکار خود بشتابید، چرا که براستی آن‌ها در مسیر، برادر و در تنگناها رفیق انسان هستند. به زیارت اهل قبور در روز ملتزم باشید، ولی نه بصورت مداوم و همه روزه و زیارت قبور را در شب انجام ندهید.

ما را با دنیا چه کار؟! براستی دنیا ما را فریب داده، و ما را مشغول کرده و به پستی و ذلت کشانید! و دنیا پست‌تر از آن است که برای ما هدف قرار گیرد! پس خوشحال آن افرادی که بدن‌های آنان در این عالم خاکی است ولی قلوبشان در عالم لاهوت، و این افراد، اگر چه از نظر تعداد کم هستند ولیکن از نظر قوت و مدد دارای اکثریت‌اند. من می‌گویم آنچه را که شما می‌شنوید و از ذات اقدس حضرت حق طلب مغفرت می‌نمایم.

(۱۳۵۷ ه ق)

منبع: سایت هدانا برگرفته از متقین، ر.ک: مکتوبات، مراسلات، مقالات علامه طهرانی رحمته الله علیه (با تصرف جزئی) ص: ۱۸۶

مراتب کمال را داشته ولی به قیام شبها بی‌توجه هستند و ما هیچگاه ندیده و نشنیده‌ایم که احدی به مرتبه‌ای از کمال راه یافته باشد مگر بواسطه قیام شب.

شما را سفارش می‌کنم به قرائت قرآن کریم در شب، با صوت زیبا و حزین که شراب مؤمنین است. شما را سفارش می‌کنم به انجام دادن اوراد و اذکاری که هر یک از شما بعنوان دستور در دست دارید و سجده یونسیه (گفتن ذکر یونسیه: «لا إلهَ إلا أنتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» در سجده) از پانصد تا هزار مرتبه.

و زیارت مشهد اعظم بصورت روزانه و رفتن به مساجد معظمه (مانند: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد سهله) بقدر امکان و همچنین سایر مساجد. زیرا مؤمن در مسجد، همانند ماهی است در آب دریا.

و هیچگاه پس از نمازهای واجب خود، تسبیحات حضرت صدیقه علیها السلام را ترک ننمایید، زیرا این تسبیحات، یکی از انواع «ذکر کبیر» شمرده شده است و حداقل در هر مجلسی یک دور تسبیح بگویید.

یکی از وظایف مهم و لازم برای سالک الی الله، دعا برای فرج حضرت حجّت در قنوت «وَتُر» است. بلکه باید در هر روز و در همه دعاها، برای فرج آن

تمام تغذیه در مانی پزشکی در یک آیه

علی اکبر حق ویسی

رئیس گروه بهیود تغذیه جامعه، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی قم

Ahaghveysi@gmail.com

ابوالفضل محمدکریمی

کارشناس تغذیه مرکز خدمات جامع سلامت شاهد، مرکز بهداشت شهرستان قم

«كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا او اسراف کنندگان را دوست ندارد.

سوره مبارکه اعراف، آیه شریفه ۳۱

آن: «کَلُوا و اشْرَبُوا و لَا تُسْرِفُوا»؛ توصیه به اهمیت دادن به روزه و بیان جایگاه آن در امر بهداشت تغذیه: «ان تصوموا خیر لکم» (۳). اگر انسان در خوردن و آشامیدن از حد تعادل در مقدار خارج نشود، از انواع بیماری‌ها در امان می‌ماند. به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض شد «در قرآن هر علمی هست، جز علم طب» حضرت فرمودند: «اما فی القرآن لایه تجمع الطب کله: و کَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» در قرآن آیه‌ای است که همه طب در آن جمع شده و آن این که بخورید و بیاشامید [ولی] زیاده‌روی نکنید» (۴، ۵).

این آیه که از بزرگ‌ترین و جامع‌ترین فرامین الهی است بیانگر این نکته مهم است که انسان‌ها در هنگام خوردن و آشامیدن باید بهداشت غذایی را به خصوص از لحاظ کمیت و میزان مصرف خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها رعایت نمایند و مرز این مصرف، تشخیص حد «و لا تسرفوا» (و اسراف و زیاده‌روی نکنید) می‌باشد (۳).

مرحوم طبرسی، در تفسیر فخری مجمع البیان در ذیل این آیه، حکایتی آورده است نکته‌آموز، می‌گوید: «هارون را طبیعی مسیحی بود. روزی وی به علی بن حسین واقد گفت: در کتاب شما از علم طب چیزی نیست، در حالی که علم دو تا است: علم پزشکی و علم ادیان. وی در جواب گفت: خداوند تمام پزشکی را در نصف آیه، جمع کرده، می‌فرماید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» و پیامبر ما تمام پزشکی را در یک جمله، خلاصه کرده و فرموده: «الْمُعَذَّةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ وَ الْحِمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ وَ أُعْطِيَ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَوَدَتْهَا»، یعنی: شکم (معدة) خانه تمام دردها است در نتیجه پرهیز صحیح سرآمد هر نوع دارویی است؛ و بدن را از آن چه بدان

از منظر قرآن کریم، غذا و تغذیه از عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری و تکامل بعد تربیتی و معنوی انسان می‌باشد؛ همچنین، غذا را ابزاری برای آزمایش، عاملی جهت تفکر، تعقل، تشکر، تعبد و تقوی، زمینه‌ساز سوگند و عامل شفا، عامل تبشیر و انذار، عامل کرامت انسان در رزق طیب، زمینه‌ساز تسخیر دریاها جهت بهره‌وری از روزی‌ها، عامل انجام اعمال صالح و ناصالح، عامل سقوط و هبوط، عامل صدور احکام الهی و عامل شقاوت اخروی می‌داند. می‌توان بیان نمود که غذا و تغذیه به غیر از آثار جسمانی، دارای پیامدهای باطنی و معنوی در حوزه اخلاق و تربیت و رفتار آدمی نیز می‌باشد (۱).

در قرآن کریم واژه تغذیه و غذا یا مشتقاتی از این دو واژه عیناً نیامده است ولی الفاظ و کلماتی که به نحوی می‌تواند با مسائل تغذیه در ارتباط باشد؛ همچون «اکل»، «شرب» و «طعام»، فراوان به چشم می‌خورد؛ به طوری که از ماده «اکل» که به معنای خوردن است، ۱۰۹ مورد با ۳۰ اشتقاق آمده است (۲).

از نگاه قرآن، سلامت تغذیه با امور معنوی و جهان‌بینی توحیدی در ارتباط است. برخی توصیه‌های قرآنی در امر سلامت و بهداشت تغذیه عبارتند از: توصیه به خوردنی‌های حلال و طیب و پیروی نکردن از امیال شیطانی: «یا ایها الناس کَلُوا مِمَّا فِی الْاَرْضِ حَلالًا طیبًا و لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ»؛ توصیه به پرهیز از خوردنی‌های حرام: «نما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغير الله»؛ توصیه به توجه نمودن به نوع تغذیه و تفکر در ساختار کیفی آن: «فلینظر الانسان الی طعامه» و نیز ساختار کمی

دو آیه در قرآن کریم با «انه لایحب المسرفین» پایان یافته که هر دو مربوط به زیاده‌روی و افراط در امر تغذیه است. اساساً قرآن اسراف را در همه شئون زندگی، نوعی تجاوز یا خروج از حد اعتدال و مردود شمرده است.

خوراکی‌ها است، سبب می‌شود انسان از سلامتی و تندرستی و چهره‌های شاداب برخوردار باشد، به درگاه معبود تقرب یابد و از برخی مسائل همچون بیماری، آشفتگی خواب، سرکشی و کمی عبادات و دوری از خداوند به دور باشد (۱۰).

1- Ghadimi R, Kamrani M, Zarghami A, Darzi A. The Role of Nutrition in Educational and Spiritual Development of Human Beings: Quranic Perspective. JBUMS. 2013; 15 (1):34-39.

2- Marzband R, Afzali M. The role of nutrition in health with the Persian of revelation. jiiitm. 2014; 4 (4):370-380.

3- Ghaffari F. Healthy Nutrition from the Perspective of the Holy Quran. zumsj. 2014; 22 (90):97-109.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ط بیروت.

۵- راوندی، قطب الدین. الدعوات، قم، منشورات مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۷ ق، ص ۷۵.

۶- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۱). تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.

۷- رزاقی، علی. امنیت غذایی از دیدگاه قرآن کریم، نشر: اخلاق پزشکی: پاییز ۱۳۸۸، دوره ۳، شماره ۹، صفحه ۱۷۱-۱۹۰.

۸- اکران، طیبه؛ گلی، مهرناز. سبک تغذیه در سلامت انسان از دیدگاه آیات و روایات، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۸، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۱۵۹-۱۷۶.

۹- خدادادی حسن، خدادادی زاده علی، اسدپور محمد، رفیعی مریم، کرمی پور زهرا. بررسی توصیه‌های تغذیه ای اسلام و پیامبر اعظم ﷺ و میزان همخوانی آن با علوم پزشکی، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان: زمستان ۱۳۸۶، دوره ۶، شماره ۴، صفحه ۴۳-۴۸.

۱۰- گلی، مهرناز؛ شهرداری، وحیده. بهره‌گیری از برخی آموزه‌های اسلامی در زمینه آداب تغذیه سالم، نشر: طب و تزکیه، زمستان ۱۳۹۴، دوره ۲۴، شماره ۴، صفحه ۶۹-۸۰.

معتاد کرده‌ای محروم مگردان». طیب گفت، قرآن و پیامبر شما از پزشکی برای جالینوس چیزی باقی نگذاشته‌اند» (۴). کلمه «اسراف» لغت بسیار جامعی است که هرگونه زیاده روی در کمیت، کیفیت، بیهوده‌گرایی، اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود. بدیهی است که مصرف نامطلوب و بی‌اندازه غذا از مصادیق بارز اسراف در زمینه تغذیه محسوب می‌شود (۵) و این روش قرآن است که به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش، جلوی سوء استفاده از آن را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند (۶). چنان که در روایات نیز، اسراف غذا دارای مصادیق گوناگون است؛ خوردن بیش از حد، فروبردن سریع غذا، زیاده روی در خوردن یک نوع غذا، خوردن لقمه حرام، ضایع کردن غذا، مصرف ناقص غذا و ... را از مصادیق اسراف می‌گویند.

همچنین نتیجه می‌شود که یک محور از امنیت غذایی در جامعه اسلامی با تأمین شدن غذای مورد نیاز واقعی حاصل شده و تغذیه تجمل‌گرایانه در اسلام جایی ندارد. ایجاد امنیت غذایی در جامعه اسلامی زمینه‌ساز توسعه فرهنگ دینی خواهد بود به شرط آن که تمامی افراد جامعه به صورت عادلانه به غذا دسترسی داشته و مصرفی بدون اسراف داشته باشند (۷).

در همین رابطه امام رضا علیه السلام فرمودند: «به اندازه‌ای غذا بخور که متناسب بدنت باشد و بیشتر از آن ارزش غذایی ندارد و هرکس به اندازه بخورد او را سود بخشد و هم‌چنین است آشامیدن آب.» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶: ۲۲۰) هم‌چنین امام کاظم علیه السلام در رابطه با پرهیز فرموده‌اند: «پرهیز آن نیست که چیزی را به کلی واگذاری، بلکه ایده‌آل آن است که از هر چیزی بخوری، اما کم بخوری» (۹).

به کار بردن رهنمودهای قرآن و روایات در بحث تغذیه که شامل کم‌خوردن، پرهیز از پرخوری و دست کشیدن از خوردن با وجود اشتها و رعایت مقدار مصرف برخی از



سلامت در احادیث

عافیت در بیان معصومین (علیهم السلام)

مرتضی حیدری
معاون دانشکده سلامت و دین
mortezaheidari.mh@gmail.com

در بسیاری از ادعیه از جمله در این دعا از وجود مبارک رسول الله ﷺ، طلب عافیت از خداوند مطرح می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي.» همچنین در دعایی که در تعقیبات مشترک نمازهای یومیه ذکر شده، طلب عافیت به چشم می‌خورد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

احادیث بسیاری نیز، عافیت را برترین نعمت‌های خداوند ذکر کرده‌اند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ الْعَافِيَةِ.» برای انسان، زندگی گواراتر از عافیت نیست (۳) و در حدیثی دیگر، می‌فرمایند: «الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ يُعْجَزُ الشُّكْرُ عَنْهَا.» عافیت، نعمتی است که انسان از ادای شکر آن عاجز و ناتوان است (۴) و به بیان دیگر، «لَا نِعْمَةَ كَالْعَافِيَةِ وَ لَا عَافِيَةَ كَمُسَاعَدَةِ التَّوْفِيقِ.» نعمتی بالاتر از عافیت نیست و عافیتی بالاتر از یاری و توفیقات الهی وجود ندارد (۵) و نیز می‌فرمایند: «تَوْبُ الْعَافِيَةِ أَهْنًا مِنَ الْمَلِيسِ.» لباس عافیت برای تن انسان، گواراترین لباس‌ها است (۶).

امام جعفر صادق (علیه السلام)، عافیت را زیباترین عطیه پروردگار می‌دانند: «الْعَافِيَةُ أَجْمَلُ عَطَاءٍ (۷)». ایشان در بیانی دیگر فرمودند: «الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ خَفِيَّةٌ إِذَا وَجِدَتْ نَسِيَتْ وَإِذَا فُقِدَتْ ذُكِرَتْ.» عافیت، نعمتی است نهان و مخفی، زمانی که در دسترس باشد به یاد انسان نیست و آنگاه که از دست رفت، قدر آن شناخته می‌شود (۸).

در دعای طواف، که از امام رضا (علیه السلام) روایت شده، نیز آمده است: «يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَرَازِقِ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمِ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانِ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلِ بِالْعَافِيَةِ... أَرْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةَ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ (۹)».

«عافیت» از جمله واژگانی است که در روایات و ادعیه وارد شده از معصومین (علیهم السلام)، مورد تأکید آن حضرات بوده و از مهم‌ترین درخواست‌های ایشان از پروردگار متعال می‌باشد. در روایتی، از وجود مبارک رسول گرامی اسلام ﷺ سؤال شده است که «إِن أَنَا أَدْرَكْتُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَمَا أَسْئَلُ رَبِّي؟» اگر من شب قدر را درک کردم از خدا چه بخواهم؟ و آن حضرت فرموده‌اند که عافیت بخواه (۱). در روایت دیگری نیز، شیخ صدوق از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که در ماه رمضان، از خدا عافیت بخواهید (۲). این‌ها و سایر روایات، اهمیت مفهوم عافیت در نزد اهل بیت عصمت (علیهم السلام) را نشان می‌دهند. اگرچه در بسیاری از ترجمه‌ها، واژه عافیت به «سلامت» ترجمه شده است، به نظر می‌رسد ضرورت دارد معنای دقیق عافیت و تفاوت آن با واژگان مشابه همچون صحت و سلامت، مورد توجه قرار گیرد. شاید بدین‌روی بهتر بتوان درک کرد که عافیت دارای چه مفهوم، اجزا و مؤلفه‌هایی است که بیش از سایر مفاهیم، مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است. بدیهی است انجام این بررسی، نیازمند مطالعه دقیق و روش‌مندی است که امید است محققان محترم، نسبت به آن توجه لازم را مبذول نمایند. در این نوشتار، به بیان پاره‌ای از احادیث وارد شده در زمینه عافیت، پرداخته می‌شود.



منابع:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۵۸، به نقل از لبّ اللّباب راوندی
۲. أمالی شیخ صدوق، ص ۹۶
۳. فهرست غرر، ص ۲۵۳
۴. سفینه، ج ۲، ص ۲۰۸
۵. بحار، ج ۷۸، ص ۱۶۵
۶. فهرست غرر، ص ۲۵۳
۷. بحار، ج ۷۸، ص ۳۶۵
۸. سفینه، ج ۲، ص ۲۰۸
۹. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۹۵
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر. پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۹، ص ۵۳۶
۱۱. روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۲، ص ۴۷۴

در برخی از احادیث، عافیت در مقابل ابتلا آورده شده است. مثلاً در این حدیث از امیر المؤمنین (علیه السلام): «و اعلم، أن مالک الموت هو مالک الحیاة، و الخالق هو الممیت، و المَفنی هو المَعید، و المُبتلی هو المُعافی، و أن الدنیا لم تَکن لِتَسْتَقَرَّ إِلَّا عَلی ما جَعَلَهَا اللهُ عَلَیهِ مِنَ النِّعماءِ وَ الْاِبْتِلاءِ وَ الْجِزاءِ فی المَعاد، وَ ما شاءَ مِمَّا لَا تَعْلَمُ» (۱۰). و نیز در حدیثی از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) که فرمودند: «لِلطَّاعِمِ الشَّاکِرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ لِلْعَافِي الشَّاکِرِ كَأَجْرِ الْمُبْتَلِي الصَّابِرِ وَ لِلْمُعْطَى الشَّاکِرِ كَأَجْرِ الْمُحْزُومِ الْقَانِعِ» (۱۱). بنابراین، تحلیل مفهوم ابتلا نیز شاید در درک معنای عافیت مفید باشد.

به فضل خداوند متعال، در شماره‌ی آتی نیز، اصطلاحات مرتبط با سلامت در کلام گهربار معصومین (علیهم السلام) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



احادیث بسیاری، عافیت را برترین نعمت‌های خداوند ذکر کرده‌اند:
 امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند:
 لَا عِيشَ أَهْنًا مِنَ الْعَافِيَّةِ: برای
 انسان زندگی گواراتر از عافیت
 نیست.





فقه سلامت

احکام فقهی در درمان ناباروری

محمد مهری لبقوان
کارشناس مسؤل آموزش دانشکده سلامت و دین
mmehrilighvan@gmail.com

خارج از رحم صورت گرفته و جنین به رحم همسر، رحم زن دیگر یا دستگاه، منتقل می‌گردد.

۲- باروری میان نطفه شوهر و تخمک همسر و انتقال به رحم همسر دیگر: در این روش نطفه مرد با تخمک همسر دوم ممزوج شده و به رحم همسر اول انتقال می‌یابد.

۳- ایجاد باروری میان نطفه شوهر و زنی که نسبت همسری ندارند: در این روش نیز حالت‌های مختلفی وجود دارد که انجام باروری در داخل رحم زن بیگانه یا در خارج رحم و در محیط آزمایشگاهی صورت گرفته و جنین به رحم همسر، همسر دیگر و رحم زن بیگانه یا دستگاه منتقل می‌گردد.

۴- ایجاد باروری میان نطفه مرد و زنی که نسبت همسری ندارند: در این روش، حالت‌های مختلفی وجود دارد که به شرح ذیل هستند:

الف- هویت مرد مجرد یا متأهل بیگانه، مشخص و هویت زن مجرد یا متأهل، مشخص است.

ب- هویت مرد مجرد یا متأهل بیگانه، مشخص و هویت زن مجرد یا متأهل، نامشخص است.

ج- هویت مرد مجرد یا متأهل بیگانه، نامشخص و هویت زن مجرد یا متأهل، مشخص است.

د- هویت مرد مجرد یا متأهل بیگانه، نامشخص و هویت زن مجرد یا متأهل، نامشخص است.

حال، با توجه به جمیع فروض مطرح شده فقهای شیعه جهت هر کدام از نمونه‌های فوق، احکام شرعی را بیان نموده‌اند که ذیلاً با برخی فتاوی‌های مشترک مراجع تقلید معاصر آشنا می‌شویم.

ناباروری، یکی از مشکلات شایع جوامع بشری است و به صورت عدم بروز بارداری پس از یک سال انجام مقاربت منظم و بدون استفاده از روش‌های جلوگیری از بارداری تعریف می‌شود (۱). بنابر گزارش سازمان جهانی بهداشت، بیش از ۷۰ میلیون زوج در سراسر دنیا و بیش از ۱۵ میلیون زوج در ایران از این مشکل رنج می‌برند (۱).

بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، ناباروری به معنای عدم بارداری (بدون توجه به نتیجه بارداری) زوجین پس از یک سال نزدیکی منظم محافظت‌نشده در مرحله باروری سیکل قاعدگی می‌باشد (۱).

مطالعات متعدد در سراسر جهان، میزان شیوع ناباروری را در جوامع مختلف مورد بررسی قرار داده و نتایج متفاوتی را گزارش کرده‌اند که این میزان در چین، ۳ درصد و در شفیلد انگلیس، ۳۱ درصد گزارش شده است (۲)، لیکن طبق آمار صادره وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی این رقم در ایران حدود ۱۵ درصد می‌باشد (۳).

ناباروری، اگرچه یکی از مهم‌ترین بحران‌های دوران زندگی زنان است، با پیشرفت‌های کنونی، اغلب موارد آن قابل درمان است. شیوه‌های نوین باروری شامل روش‌های (IVF, IFT, ZIFT, TET, IUI, ITSCIT) می‌باشد (۴) که هر کدام مکانیسم‌ها و روش‌های خاص خود را دارا بوده و به‌طور کلی، به چهار دسته ذیل تقسیم می‌گردد (۵):

۱- باروری بین نطفه شوهر و تخمک همسر: در این روش، حالت‌های مختلفی وجود دارد که انجام باروری در داخل رحم همسر، در داخل رحم زن دیگر یا خارج از رحم صورت گرفته و جنین به رحم همسر، رحم زن دیگر یا





صورتی که انجام این عمل مستلزم فعل حرام نباشد حکم به جواز خصوصا در صورتی که زن مادر استعداد نگهداری جنین را نداشته باشد بعید نیست. (۱۰)

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه:

این عمل فی نفسه مانع ندارد ولی باید از لمس و نظر حرام اجتناب شود و فرزند ملحق به مرد و زن صاحب نطفه است و احتیاط نسبت به صاحب رحم مراعات شود. (۱۲)

* سؤال: ۱- آیا مرد، می تواند منی خود را به بانک تجمید منی بسپارد و در سالهای پیری با زن جوانی ازدواج کرده و آن منی را با تخمک آن زن تلقیح کرده رشد دهند؟ تلقیح آن منی بعد از مرگ او با همسرش چه حکمی دارد؟

* ۲- اگر به خاطر ضرورت علمی برای انجام کار روی سلول های زنده انسان، ناچار به تجمید جنین باشند، حکم این گونه تحقیق ها که برای درمان بیماری های انسانها ضروری است چیست؟

* ۳- عده ای از زنان و مردان به دلایل مختلف نمی توانند بچه دار شوند، در بعضی موارد شوهر مشکل دارد و در برخی موارد زن، آیا در این صورت زن و شوهر می توانند از منی و تخمک کس دیگری استفاده کنند و بوسیله پزشکان در رحم زن قرار داده شود تا این زن و شوهر دارای فرزند بشوند؟ آیا این کار از نظر شرعی جایز است؟

حضرت آیت الله تبریزی رحمته الله علیه:

۱- چنانچه مستلزم حرام نباشد در این صورت که خروج منی به طریق حلال باشد و نیز تلقیح توسط خود زن یا

* سؤال: زنی از شوهر خود بچه دار نمی شود. آیا جایز است نطفه مرد دیگری غیر از شوهر به وسیله دستگاہ در رحم او قرار داده شود و بدین [وسیله] حامله گردد و اگر جایز است، آیا تمام احکام مادری و فرزندی مانند محرمیت و ارث و ... جاری می گردد.

حضرت آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه:

عمل مذکور اگر مستلزم ارتکاب مقدمات حرام از قبیل لمس و نظر حرام نباشد و مأمون و مصون از هر گونه مفسده ای باشد فی نفسه منعی ندارد، ولی در عین حال بهتر است از بچه دار شدن از این طریق ناممکن خوداری نماید (۶).

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه:

جایز نیست ولی اگر انجام دادند، حکم مادر و فرزندی بر آنها مترتب می شود (۷)

حضرت آیت الله تبریزی رحمته الله علیه:

جایز نیست نطفه مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه قرار گیرد، ولی اگر این کار شد این زنی که نطفه غیر در رحم او واقع شده است، مادر بچه است و لکن شوهر او پدر این بچه نیست و این بچه از شوهر ارث نمی برد و پدر این بچه صاحب نطفه است. (۸)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه:

جایز نیست. (۹)

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه:

اگر مقصود انعقاد نطفه مرد اجنبی و زن اجنبیه است جایز نیست، و اگر مقصود این است که نطفه زن و نطفه شوهرش پس از انعقاد به رحم زن دیگر منتقل نماید. در





شوهر او چنانچه زنده باشد صورت گیرد مانعی ندارد والله العالم.

۲- تجمید جنین محترم جایز نیست و الله العالم.

۳- تلقیح نطفه مرد در رحم زن اجنبیه جایز نیست و استفاده از تخمک زن دیگر و تلقیح آن در خارج رحم با نطفه مردی برای گذاشتن آن در رحم زوجه او اگر مقارن به یک عمل حرام مثل لمس یا نظر محرم باشد حتی مثل نظر زن دیگر به عورت آن زن جایز نیست و الله العالم. (۸)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه:

۱- این کار تا زمانی که شوهر زنده است جایز می باشد ولی پس از مرگ او اشکال دارد.

۲- در صورت ضرورت اشکال ندارد.

۳- استفاده از تخمک و منی اجنبی جایز نیست. (۹)

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه:

۱- در فرض سؤال اگر عمل مذکور مستلزم حرام نباشد فی نفسه اشکال ندارد. بلی، بعد از فوت زوج جواز تلقیح آن منی به همسرش محتاج به تأمل است و الله العالم.

۲- نظر به این که فعلا ضرورت حفظ نسل محترمه در بین نیست اشکال دارد.

۳- در فرض سؤال اگر مباشر عمل تلقیح غیر زوج باشد جایز نیست و اگر مباشر عمل تلقیح زوج باشد گرچه نفس عمل اشکال ندارد ولی فرزند متعلق به صاحبان نطفه است و الله العالم. (۱۰)

حضرت آیت الله سیستانی رحمته الله علیه:

۱- فرض اول اشکال ندارد و فرض دوم بنا بر احتیاط

واجب نیست.

۲- تجمید جنین زنده به مدت طولانی جایز نیست.

۳- اگر در خارج منی و تخمک تلقیح بشوند و سپس به رحم زن منتقل شود فی حد ذاته حرام نیست، ولی چون مستلزم لمس و نظر حرام است تا ضرورت و حرج پیدا نشده، جایز نیست. (۱۱)

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه:

۱- چون عمل تلقیح مقارن با محرمانی از قبیل لمس و نظر حرام است جایز نیست.

۲- اگر منجر به موت او می شود همان حکم سقط جنین را دارد با تفصیل مذکور در محل خود.

۳- جایز نیست. (۱۲)

منابع:

۱- دل پیشه، علی و همکاران. سیمای اپیدمیولوژی ناباروری در ایلام در سال ۱۳۹۲، مجله زنان، مامایی و نازایی ایران، دوره نوزدهم، شماره ۹۸، ص ۸، اردیبهشت سال ۱۳۹۴

2- che y, Cleland j. infertility in shanghai, prevalence, treatment, seeking and impact. J obstet gynaccol, 2002,no.22(6)

۳- جان بابایی، قاسم. معاون درمان، پایگاه خبری- اطلاع رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی <http://behdasht.gov.ir/?siteid>

۴- بهادری، محمد هادی و همکاران. ناباروری و روش های کمک باروری. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی گیلان، ۱۳۹۱

۵- قاسمی، محمد علی. دانشنامه فقه پزشکی، مرکز فقهی ائمه اطهار، جلد سوم، چاپ اول، سال ۱۳۹۵

۶- پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir>

۷- پایگاه اطلاع رسانی آیه الله العظمی فاضل لنگرانی: <http://lankarani.com/persian>

۸- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی تبریزی: fa.tabrizi.org

۹- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی مکارم شیرازی: www.makarem.ir

۱۰- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: www.saaqi.com

۱۱- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی سیستانی: www.sistani.org

۱۲- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله العظمی بهجت: [https://bahjat.ir](http://bahjat.ir)

پارادایم‌های علم

صادق یوسفی
مرکز تحقیقات سلامت معنوی
دانشگاه علوم پزشکی قم
yoosefee@muq.ac.ir; yoosefee@gmail.com

جهت رد یا نقض آن پارادایم صحبتی به میان آورد، چراکه سطح معرفت علمی، سطح چالش با پارادایم نیست. برای مثال، اعتقاد به وجود باری تعالی، یک اصل عقیدتی در پارادایم الهی است و تلاش در جهت تصدیق این اصل با استفاده از حوزه علم، حتی ممکن است به شک و شبهه هم منجر شود. با این توصیف، ترکیب پارادایمی نظریات، امری محال بوده و چنانچه ترکیب نظریات در سطح معرفت علمی بین پارادایم‌های مختلف باشد، تناقض پیش فرض‌های حاکم بر نظریات علمی بروز می‌کند. با این حال، چنانچه ترکیب از زیرمجموعه یک پارادایم آغاز شود، اشکال منطقی ندارد؛ ولی پرسش اساسی این است که ترکیب‌کننده تا چه حد از شایستگی و توانایی لازم برای ترکیب برخوردار است. از این رو، کاربرد واژه "ترکیب" باید با رعایت جوانب احتیاط و جدی گرفتن مبنای پارادایمی آن همراه باشد.

در پایان، باید یادآور شد که خط‌مشی هر پارادایم، در پاسخ به چهار عنصر ماهیت وجودی واقعیت (هستی‌شناسی)، ماهیت معرفت و دانش مرتبط با آن واقعیت (معرفت‌شناسی)، چگونگی تولید معرفت معتبر و پایا از واقعیت (روش‌شناسی) و چگونگی جمع‌آوری داده‌های معتبر و پایا از آن (روش) نهفته است. چهار پارادایم مطرح در علوم انسانی عبارتند از پارادایم اثبات‌گرایی، تفسیری، انتقادی و پست مدرن که البته در مورد پارادایم اخیر توافق عام وجود ندارد. در شماره آتی به پارادایم‌های غالب اشاره می‌شود.

برگرفته از کتاب «فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی»، تالیف دکتر محمد تقی ایمان، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (قم)، چاپ چهارم، ۱۳۹۶

توجه به نقش پارادایم‌های علم در ظهور، توسعه و تکثر حوزه‌های علم و معرفت، ضرورتی انکارناپذیر است. از این رو، در شماره پیش رو به این مهم پرداخته می‌شود. پارادایم یا الگوواره به پیش فرض‌های علم که نقش اساسی در هویت بخشی به یک حوزه از علم را دارند، اطلاق می‌شود. به طور کلی ایده پارادایم به کوهن، فیلسوف مشهور علم برمی‌گردد. کوهن پارادایم را به معنای یک جهت‌گیری و راهبرد پایه، نسبت به نظریه و تحقیق می‌داند. پارادایم علم، در قالب یک نظام فکری، پیش فرض‌های اساسی، پرسش‌های مهم، معماهایی که باید حل شوند و تکنیک‌های مورد استفاده در پژوهش را شامل می‌شود. هر پارادایم نگاه متفاوتی به جهان و چگونگی فعالیت آن دارد، چنان که در رویکردهای متفاوتی مانند لیبرالیسم، مارکسیسم، اومانیزم و سایر مکاتب شاهد هستیم. پارادایم‌ها چون به آسانی به دست نمی‌آیند، معمولاً به آسانی هم کنار گذاشته نمی‌شوند. از طرفی، پارادایم‌ها در عرصه علم با یکدیگر رقابت می‌کنند. چراکه در عرصه پارادایم، صرفاً مجموعه مباحث منطقی وجود دارد که پارادایم موضع خود را با آنها معرفی می‌کند. سوالات پارادایمی به حوزه جهان‌بینی وارد می‌شوند که در این جا بحث از قبول داشتن یا نداشتن است. از این رو، رد مباحث یک پارادایم از نگاه یک پارادایم خاص، منطقی نیست. با این حال، نقد تناقضات منطقی درون پارادایم، امری رواست.

از طرفی، هر نوع معرفت علمی متکی بر پارادایم خاص، در خدمت آن پارادایم است. به عبارت دیگر، معرفت علمی، به دنبال توضیح واقعیت بر اساس راهبرد پارادایم است. پس، معرفت علمی متکی بر یک پارادایم فکری، نمی‌تواند در

معرفت علمی متکی بر یک پارادایم فکری، نمی‌تواند در جهت رد یا نقض آن پارادایم صحبتی به میان آورد، چراکه سطح معرفت علمی، سطح چالش با پارادایم نیست.

فاش کردن خطاهای پزشکی

حسام الدین ریاحی

پژوهشگر و دستیار دکترای تخصصی اخلاق پزشکی
گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
he.riahi@gmail.com



گزارش دستاوردهای علمی این همایش را به زمان دیگری موکول می‌کنیم و در این فرصت مفهوم افشای خطای پزشکی را بیشتر بررسی می‌کنیم.

تخمین زده می‌شود سالانه ۴۰ هزار امریکایی به علت خطاهای پزشکی می‌میرند. در مطالعه‌ای پیمایشی، ۴۲ درصد از مردم و ۳۵ درصد از پزشکان گزارش دادند که در مراقبت‌های (پزشکی) آنها یا یکی از اعضای خانواده‌شان خطایی رخ داده است. فقط در ۳۰ درصد از موارد؛ خطا به بیمار یا خانواده وی گفته می‌شود. برای بسیاری از پزشکان افشاکردن خطاهای پزشکی برای بیماران و همکاران دشوار است زیرا از اتهام‌های احتمالی از سوی بیماران، موانعی که این امر در راه اعتبار حرفه‌ای یا معیشت آنها پدید می‌آورد، و پرونده‌های شکایت از پزشک؛ نگران هستند. بیماران افشای خطای بیشتری را نسبت به آنچه پزشکان به طور معمول انجام می‌دهند، درخواست می‌نمایند.

مورد بالینی: تجویز بیش از حد انسولین (۱)
مردی ۵۴ ساله دیابتی برای نارسایی احتقانی قلب بستری شد. دستیار بجای دوز معمول ۱۰ واحد انسولین او، برایش ۱۰۰ واحد تجویز کرد و بیمار هم این دوز بالاتر را دریافت کرد. هیپوگلیسمی و تشنج و کما رخ داد. در ریکووری، بیمار و خانواده‌اش علت تشنج‌ها را جویا شدند. تیم مراقبت‌های قلبی از ترس عصبانی شدن آنها و شکایت احتمالی (۲) به گفتن خطا تمایلی نشان نمی‌دادند. از نظر اخلاقی برخورد مناسب چیست؟

دوستان و همکاران ارجمند که یادداشت آغازین سلسله مباحث اخلاق پزشکی و اخلاق حرفه‌ای را مطالعه کردند به یاد دارند که بالاترین درجه اخلاق حرفه‌ای را از منظری دین‌مدارانه، تجلی نام شافی و طبیب هستی‌بخش یکتا دانستیم. همچنین گفتیم که این باور می‌تواند به کادر پزشکی و درمان کمک کند ضمن جلب رضایت بیماران و کسب موفقیت در حرفه خود، لذت اخلاقی زیستن و گام برداشتن در مسیر قرب الهی را بر اساس باور به حیات اخروی تجربه نمایند.

اما در عرصه عملکرد کادر پزشکی و فعالیت بالینی باور به اخلاق حرفه‌ای چگونه قابل اجرا است؟ پاسخ را باید در پایبندی به ارزش‌ها و اصولی همچون صداقت و امانت که اصل‌ترین توصیه‌های اخلاقی دین مبین اسلام هم محسوب می‌شوند جستجو کنیم. بحث شناخته شده رعایت حق‌الناس که در شریعت اسلام مقدم بر دیگر تکالیف مسلمانان دانسته می‌شود یکی از عرصه‌هایی است که کادر پزشکی و پرستاری امانت‌داری در آن و صداقت در حفظ امانت را هر روز تجربه می‌کنند. بیماران هنگامی که برای درمان بیماری‌شان، خود را به دست ما می‌سپارند بر این باورند که امانتدار هستیم و نهایت تلاش را در حفظ سلامت آنها خواهیم داشت و اگر هم خطایی مرتکب شدیم با صداقت به آنها خواهیم گفت که چه خطایی مرتکب شده‌ایم و سعی در کتمان حقیقت نخواهیم کرد.

این بحث ظریف در ادبیات اخلاق حرفه‌ای "افشای خطای پزشکی" نام گرفته است و در مجامع علمی همچون "همایش ملی اخلاق پرستاری بم" که اسفند ۹۷ میزبان محققان کشورمان بود، از زوایای پژوهشی بررسی شد. البته





نداشته‌اند. فقط موارد معدودی از خطاهای ناشی از سهل‌انگاری (۹) یا تخلف عمدی از یک استاندارد روشن مراقبتی یا اجرایی است. اغلب موارد بر اثر نواقص سیستمی و محدودیت‌های شناخت انسانی پدید می‌آیند که تحت کنترل پزشک نیستند. افزایش خطا به حرفه‌مندان مراقبت‌های سلامت آسیب می‌زند.

پزشکان ممکن است بترسند که بیماران یا خانواده‌های آنها، در واکنش به افشای خطاهای پزشکی، احتمالاً رفتارهایی همچون عصبانیت، عوض کردن مراقبان یا اقدام به شکایت حقوقی علیه آنها از خود نشان دهند. در عمل هم بیماران اظهار کرده‌اند که اگر پزشک آنها خطایی مرتکب شود که جان آنها را تهدید کند؛ پزشک خود را عوض می‌کنند. اما این بی‌میلی پزشکان به اعتراف به خطاها، خود یک حلقه‌ی بسته‌ی معیوب ایجاد می‌کند: اگر پزشکان درباره گفتن خطاها رک و راست نباشند، بیماران بیشتر دلخور می‌شوند و احتمال شکایت آنها از پزشک بیشتر می‌شود. آموزش‌گیرندگان در صورت افشای خطایی جدی، ممکن است این نگرانی را داشته باشند که وجهه آنها نزد پزشک ناظر بر آموزش آنها خراب شود و همکاران و ناظران به جای رفتاری حمایتی، رفتاری تنبیهی را نسبت به آنان پیش بگیرند.

دلایلی به سود افشاکردن خطاها به بیماران و تصمیم‌گیرندگان جایگزین

افشاکردن نشانه احترام به بیمار است. تقریباً تمام بیماران تمایل دارند که حتی خطاهای کوچک هم نزد آنها فاش شود. بیماران می‌خواهند بدانند چه اتفاقی افتاده، چرا این اتفاق افتاده، چگونه پیامدهای ناخواسته آن را می‌توان کاهش داد و چگونه می‌توان از وقوع دوباره آن پیشگیری کرد. علاوه بر اینها، بیماران طالب پوزش‌خواهی هستند. اگر در مورد فوق، موضوع تجویز بیش از حد انسولین را به بیمار نگوییم، او خودش ماجرا را نمی‌فهمد. اما ممکن است او این ترس را پیدا کند که تشنج و کما،

مرسوم بوده است که برای اینگونه خطاها؛ افرادی را که دانش کافی، تلاش لازم یا وظیفه‌شناسی (۳) نداشته‌اند، سرزنش کنند. اما نگاهی نو هست که می‌گوید اغلب خطاها ناشی از محدودیت‌های ذاتی در شناخت انسان و توجه او و نیز نارسایی‌های سیستم (۴) است. با این نگاه سرزنش کردن پزشک دردسرافرین است.

اولاً اشتباهاتی مانند مثال بالا معمولاً ناشی از فقدان توجه یا تمرکز به صورت لحظه‌ای هستند؛ که در حیطه اختیار خودخواسته پزشک نیست. سهو قلم (۵) یا پرت‌شدن حواس (۶) ممکن است برای ماهرترین و دقیق‌ترین پزشک هم رخ دهد. ثانیاً خطاها، علل سیستمی متعدد دارند. داروسازی که این نسخه را پیچیده و پرستاری که تزریق را انجام داده هم نتوانسته‌اند متوجه مقدار نادرست دارو شوند. دستیار (۷) یا استاد (۸) مسئول می‌توانستند نظارت بهتری داشته باشند. این مشکلات سیستمی؛ به معنی سوانح قریب الوقوع است. آموزش بیشتر برای کارکنان مراقبت‌های بهداشتی در پیشگیری از چنین خطاهایی اثر کمتری دارد تا بازطراحی نظام ارائه خدمات سلامت که شامل کامپیوتری کردن دستورات دارویی، چک لیست‌ها، بارکدگذاری و بهبود کار گروهی میان پزشک و داروساز و پرستار می‌شود. احتمالاً متمرکز شدن بر بهبود نظام مراقبت‌های سلامت به جای سرزنش افراد، به طور کلی منجر به کیفیت بالاتر خدمات برای عموم بیماران می‌شود. در ادامه، استدلال‌ات هر دو گروهی که افشا کردن خطای پزشکی را مثبت یا منفی ارزیابی می‌کنند آورده‌ایم و طبق روال بحث‌های اخلاقی، قضاوت را با شنیدن دلایل هر دو طرف به شما می‌سپاریم.

دلایلی به سود افشا نکردن خطاها به بیماران و تصمیم‌گیرندگان جایگزین

پزشک مسئول واقعی این خطا نیست. قابل درک است که پزشکان نخواهند برای خطاهایی سرزنش شوند که مسئولیت اخلاقی نسبت به آنها

کنند که عوارض منفی خطاهای پزشکی را آشکارا اعلام نماید و روش‌هایی برای جبران آنها ارائه دهد. چنین برنامه‌هایی، دعوای سوء رفتار در طبابت را افزایش نمی‌دهد. اگر چه افشا کردن خطای پزشکی، سپر حفاظتی یک پزشک در برابر مسئولیت قانونی (۱۱) وی محسوب نمی‌شود، اما عدم افشای آن می‌تواند مخاطرات قانونی (۱۲) را افزایش دهد. بحث فوق، نمونه‌ای از گفتگوهای اخلاقی با شیوه تضارب آرا است که علاوه بر اطلاعات لازم، رویکردی را به شما ارائه می‌کند که در آن قضاوت نهایی را خودتان انجام می‌دهید و با این شیوه مهارت تصمیم‌گیری اخلاقی نیز پرورش می‌یابد. در نهایت شما باید ببینید که آیا افشای خطای پزشکی را به صلاح می‌دانید یا ترجیح می‌دهید رویکرد مقابل آن را انتخاب کنید.

امیدواریم در بحث‌های آتی با مثال‌های دیگری که از تجربیات بالینی شما خوانندگان خوب برآمده باشد بتوانیم علاوه بر افزایش دانش اخلاقی خود، با مهارت قضاوت در موارد دشوار اخلاقی، آشنایی بیشتری پیدا کنیم.

منبع:

Resolving Ethical Dilemmas: A Guide for Clinicians, Fifth Edition 2013/ Bernard Lo

ترجمه شده از فصل ۳۴؛ صفحات ۲۳۹ تا ۲۴۶

-
1. overdose
 2. sue
 3. conscientious
 4. system failures
 5. slip of the pen
 6. a lapse in concentration
 7. Resident
 8. Attend
 9. negligent violation
 10. follow-up care
 11. legal liability
 12. legal risk

ممکن است باز هم تکرار شود یا اینکه اصلاً شاید وی مشکل وخیم‌تری مثل یک تومور مغزی دارد. با ترس از عود این مشکل، ممکن است او شغل خود را عوض کند یا فعالیت‌های معمول خود مانند رانندگی و مسافرت را محدود نماید. در دکتترین رضایت آگاهانه، پزشکان مأموریتی مثبت برای ارائه اطلاعات برجسته درباره وضع بیمار و گزینه‌های مراقبت او به خود فرد و یا تصمیم‌گیرنده جایگزین به عهده دارند. این وظیفه افشاسازی فراتر از پاسخ دادن صادقانه به پرسش‌های بیمار است. برای تأمل درباره افشاسازی، پزشکان می‌توانند تصور کنند که اگر یکی از خویشاوندان آنها بر اثر یک خطای پزشکی آسیب می‌دید و تیم ارائه مراقبت سلامت درباره آنچه اتفاق افتاده، روراست برخورد نمی‌کردند؛ چه احساسی داشتند.

افشا کردن به نفع بیمار است.

افشا کردن، بیماران یا تصمیم‌گیرندگان جایگزین را قادر خواهد کرد تا آسیب‌هایی که خطای پزشکی ایجاد کرده را کاهش دهند. مثلاً با آزمایش‌های اضافی، درمان یا مراقبت پیگیرانه‌ای (۱۰) که می‌توان انجام داد. بیماران یا خانواده‌ها احتمال همکاری بیشتری بر اساس این معیارها را دارند؛ البته اگر دلایل این اقدامات را خودشان هم فهمیده باشند. همچنین افشا می‌تواند به خود بیماران هم این امکان را بدهد تا بهتر مرحله جبران آسیب‌های ناشی از خطاها را طی کنند. در مثال بالا، بیمار نیاز به مراقبت ویژه پیدا می‌کند، بستری وی طولانی می‌شود و یک سی تی اسکن هم پس از این خطای پزشکی لازم می‌شود. علاوه بر این، اغلب بیماران خواستار عدم دریافت هزینه برای این اقدامات مراقبتی هستند. همچنین به نظر منطقی می‌رسد که غرامت‌های ناشی از درآمد از دست رفته یا معلولیت جدی که مستقیماً بر اثر خطای پزشکی پدید آمده است، برای بیمار جبران شود. بیماران تا زمانی که خودشان یا تصمیم‌گیرنده جایگزین آنها از بروز خطای پزشکی مطلع نباشند، نمی‌توانند در باره این غرامت مذاکره کنند.

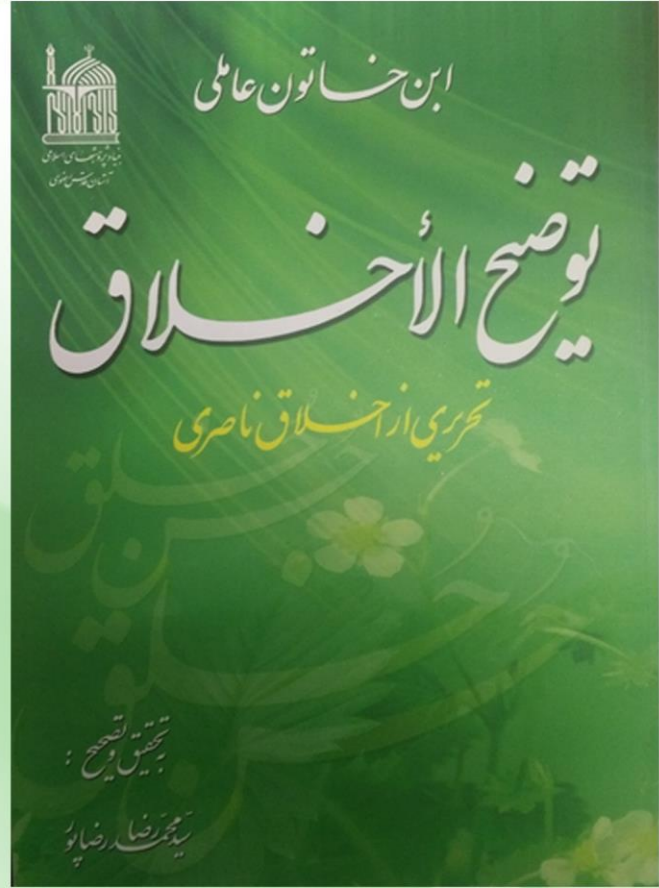
افشا کردن به نفع پزشک است.

افشا کردن ممکن است تأثیرات نامطلوب خطای پزشکی، بر معیشت پزشکان را نیز کاهش دهد. یک مطالعه نشان داد که اگر خطای پزشکی به بیماران گفته شود و پزشک مسئولیت را بپذیرد، کمتر احتمال دارد آنها پزشک خود را عوض کنند؛ اما افشا کردن و پوزش خواستن، باعث کاهش احتمال درخواست مشاوره قانونی از سوی بیماران نشد. مؤسسات مراقبت‌های سلامت، می‌توانند برنامه‌هایی راه‌اندازی



معرفی کتاب

توضیح الاخلاق
تحریری از اخلاق ناصری



عَلَّامه شمس الدّین محمّد بن سدیدالدّین علی بن خاتون عاملی عینائی (زنده در ۱۰۶۸ ق.) به فرمان سلطان محمد قطب شاه، کتاب اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی رحمته الله را به عباراتی واضح تر و بیانی شفاف تر، که فهم همه کس به آن تواند رسید، تحریر کرد و آن را به توضیح الاخلاق عبدالله شاهی موسوم ساخت (که همین کتاب است). موضوع کتاب، حکمت عملی و مشتمل است بر سه مقاله: ۱. تهذیب اخلاق ۲. تدبیر منزل و قانون سلوک ۳. سیاست مدّن

آموزه‌های مقاله اول: شناخت نفس، شناخت فضایل و رذایل، شناخت نفس و راه درمان آن

آموزه‌های مقاله دوم: دلیل نیاز انسان به تشکیل خانواده، تدبیر امر از دواج، تدبیر تربیت فرزند، تدبیر امور خدمت کاران

آموزه‌های مقاله سوم: دلیل نیاز انسان به زندگی اجتماعی و وضع قوانین مدنی، تدبیر امور دوستیابی و معاشرت با مردم، و وصایای افلاطون.

جرعه‌نوشی از این سرچشمه زلال و گوارا به هر طالب سعادت و تشنه حکمت، چه ارباب صاحب مکنت و چه رعیت، سفارش می‌شود.

این کتاب به تحقیق و تصحیح سیدمحمدرضا رضاپور، توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، منتشر شده است.





قصدِ قُربت گر نباشد؛ آیه اخلاق جان معنا ندارد
گر نباشد نیتِ سالم که استغراق جان معنا ندارد

می توانی قصه کاذب بگویی؛ لیک بی تهذیب باطن
قصد سیر انفس و فهمیدن آفاق جان معنا ندارد

مجلس اخلاق با الحاق شهوت بر علایق
می شود اندیشه مُهمل که بر عشاق جان معنا ندارد

ای ز صاف صدق غافل، شاغلی بر دُرد شهوت
شهوت اماره شیطان که بر مُشتاق جان معنا ندارد

غافل از میثاق و الحاقی میان حق و اخلاق
روشن است آیات حق بر عاق جان معنا ندارد

گرم خویشی! غافل از خیشی و نیشی بر خودت
شُخم بر اخلاق در آئینه رزاق جان معنا ندارد

گر مدارا می کنی با علم و حلم و سلم؛ الله
آفرین! اما مدارا با گل باتلاق جان معنا ندارد

خُلق نیکو را به طیب خاطر از فطرت بیاموز
گر کنی اخلاق را، تهذیب را، شلاق جان معنا ندارد

سائر نومی مبارک باد

